



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

پنج شنبه ۰۳ دسامبر ۲۰۲۰

حمید انوری

"از کوزه همان تراود که در اوست"

جریان رای گیری و رای دهی در ولسی جرگه بین وزرا و وکلای دغدغه پیش میرود و وزرای ناکارآمد، نامستحق، فاسد و غارتگر، یکی پی دیگر، بی خیال و با اطمینان خاطر از وکلای خریداری شده و فاسدتر از خود شان، رای اعتماد به دست می آورند و داد و معامله های آنچنانی، روند و جریان اصلی و طراحی شده خود را همچنان می پیماید.

از چند و چون قضیه و لیست وزرای فاسد که بگذریم، می رسیم به اسم شناخته شده "محمود کرزی". نامی که برای همه شناخته شده است.

این فرد فاسد، دغل، استفاده جو، غارتگر و یکی از عاملین اصلی غارت "کابل بانک" که بلیون ها دالر را از بانک مذکور غارت کرد و سرمایه های هنگفت را به خارج از افغانستان انتقال داد و در دویی قصر ها و بلند منزل های میلیون دالر خریداری کرد و شهرک بی سر و پای ای در عینو مینه قندهار ایجاد کرد و میلیونها دالر از عواید آن، ماهانه به دست می آورد و....

او برادر سکه شخصی به نام "حامد کرزی" است، کسی که توسط شرکت نفتی "یونوکال" - امریکایی استخدام شد و بعدتر به (سی آی ای) فروخته شد و عاقبت عمال استخباراتی - نظامی امریکا، او را با فرستان یک هلی کوپتر جنگی و چندین کماندوی خاص، از چنگ طالبان زنده نجات داده و به کابل بردند تا به عنوان "رئیس جمهور" افغانستان بی در و دروازه عمل کند.

"محمود کرزی" نه تنها بلیونها دالر دارایی های مربوط به بازسازی افغانستان را غارت کرده و حیف و میل نموده است، بلکه تحت تعقیب محکمه عالی ایالات متحده امریکا نیز قرار دارد.

روزنامه "وال ستریت ژورنال" از قول یک مقام ایالات متحده امریکا نوشته است که محمود کرزی، تبعه ایالات متحده امریکا که تابع قانون مالیات آن کشور می باشد، در مرکز بازجویی ای قرار دارد که زیر نظر محکمه فدرال در جنوب نیویارک به راه افتاده است... وال ستریت ژورنال

می نویسد: خرنوال ها می کوشند تا دریابند آیا شواهد کافی ای وجود دارد که اتهام زیر زدن مالیات، اخاذی و غضب جایدها را به محمود کرزی بست. در گزارش تذکر رفته است که دادستان ها (خرنوالان) همچنان مجریان بانک افغانستان و متهمان به قاچاق تریاک را در نظر دارند مورد بررسی قرار دهند...) صدای آلمان

شفقتا افغانستان - "بعد از قضیه و قصه دور و دراز کابل بانک که شیرخان فرنود و خلیل فیروزی زندانی شدند، از سهام داران و قرض داران اصلی کابل بانک، تنها محمود کرزی بود که در سایه حمایت برادرش حامد کرزی از زندان گریخت.

چه کسی می توانست محمود را زندانی کند یا اصلاً هیچ کدام از خاندان کرزی را به چشم چپ ببیند؛ خاندانی که همه یک باره دیپلمات، سفیر، دلال چوکی و پول و پروژه شدند.

از این میان اما محمود حکایتی جداگانه داشت. شم تجاری او و ذوق ارتباطی او را از دیگر برادران ممتاز می کرد؛ کسی که تا دو سال قبل اش ساندویچ می فروخت و پول محصلان افغان را خانواده اش نگه می داشت (**دزدی می کرد**) و در این پول شویی سیاه، روزی سفید می کردند. همکار جدی آن ها، محمدیار؛ مشاور پروژه های حکومت شد. کسی که در امریکا تحت تعقیب قضایی بود. همان کسی که به عنوان سفیر به انگلستان معرفی شد. انگلیس ها به علت مجرم بودن، او را نمی پذیرفتند؛ اما بعد از هجده ماه کلمات و تهدید آقای کرزی با همه دولت مردان افغان که تابعیت انگلیس داشتند، بالاخره سفیر شد.

روزنامه های معتبر غربی علیه او و فسادپیشگی خانواده حاکم نوشتند. یکی هم مقاله من در روزنامه گاردین است. با این حال، این خانواده کاکه، خود و رفقای شان به مکننت و ثروتی وصف ناپذیر رسیدند. کسانی که حتا لباس های فامیل شان را با پول امریکا می خریدند بعدها «دشمن امریکای متجاوز» شدند.

بگذریم، محمود با تجارت سگرت و انحصار سگرت ای سی که امروزه هفتاد درصد سگرت مصرفی افغانستان را تشکیل می دهد شروع کرد. بعد قرارداد سمنت شمال را گرفت. همان طور که یک سگرت ده روپیه گی را پنجاه روپیه می فروخت، سمنت ملی را هشت برابر قیمت به بازار کابل می آورد. (مصاحبه اختصاصی با نگارنده در کتاب اقتصاد گذار)

دلیل این گران فروشی برای او ناامنی راه بود. راهی که پس از قطع تجارت او به شکل جادویی امن شد. همان وقت ها هم نویسندگان پیشنهاد داده بودند که برای امنیت شاهره ها باید خاندان آقای کرزی از تجارت منع شوند، چون دقیقاً پول تضمین راه را هم یک شرکت امنیتی متعلق به خانواده

کرزی به نام وطن گروپ به دست می آورد که از شروع حکومت نو و انحلال این شرکت امنیتی، دیگر هیچ لاری تجاری در شاهراه ها آتش نگرفته است.

بعدها آقا محمود، به تجارت پرسود موتر روی آورد. موتر اوراقی کروالی ۱۹۹۸ که در بازار جهانی سیصد دالر نرخ داشت، در افغانستان، شش تا هشت هزار دالر فروخته می شد. این نبوغ اقتصادی محمود بود که سیصد دالر را هشت هزار دالر می کرد و گمرگ که تا هنوز در اختیار خانواده آنان است.

قضیه کابل بانک، افشای رازی بزرگ بود. اینکه همان سیصددالر اولیه را هم از پول سپرده بانکی مردم دزدی می کرده است. **پنجصد میلیون دالر، پولیست که قرضداری محمود از کابل بانک است. قرضه بی که هیچ وقت پس داده نشد.** حالا اگر حکومت بخواهد آن را پس بگیرد باید با سود عادی اش و رشد نرخ تورم پس بگیرد که حداقل با احتساب ده سال، یک میلیارد و ششصد هزار دالر می شود.

چرا آدم های بیگناه زندانی می شوند، اما کامران علیزی و محمود کرزی را کسی به یاد نمی آورد. شاید مطبوعات حافظه ضعیفی داشته باشد، اما وجدان عمومی حافظه اش ضعیف نیست. پس از تصفیه حساب به جرم رانت خواری، پول شویی و احتکار که هر سه در قوانین مورد قبول دولت افغانستان رسمیت دارند، محمود باید زندانی و برادرش حامد به جرم سوء استفاده از قدرت و اعتماد مردم بی هیچ تردیدی محاکمه شوند. "سید رضا محمدی

از مجموع بیش از ۹۰۰ میلیون دالر قروض کابل بانک، حدود یک صد میلیون و یک صد هزار دالر آن دوباره حصول شده است.

به جز شیرخان فرنود، رییس کل کابل بانک، هویت چهار سهام دار اولی دیگر این بانک مشخص نشده است. در ماه ثور ۱۳۸۵ چهار سهام دار جدید، به شمول خلیل الله فیروزی، رییس اجرایی کابل بانک به جمع سهام داران بانک افزوده شدند. در اواخر ۱۳۸۵ اما ۹ سهام دار دیگر به جمع مالکان کابل بانک پیوستند. محمود کرزی، برادر رییس جمهور پیشین کشور، حصین فهیم، برادر مارشال محمد قسیم فهیم، معاون اول رییس جمهور کرزی و زاهد فهیم، برادرزاده ای مارشال فهیم نیز شامل این ۹ سهام دار بودند....

بدهکاران کابل بانک ۱ - شیرخان فرنود - ۹۲۲ میلیون دالر ۲ - حاجی عبد الحصین فهیم - ۲۰۲ میلیون دالر ۳ - محمود کرزی - ۲۱ میلیون دالر ۴ - حاجی محمد ظاهر ظاهر - ۲۱ میلیون دالر.

قصه خورد و بُرد و چور و چپاول و فساد پیشگی محمود کرزی و برادران کرزی با درد و دریغ که سر دراز دارد که در این مختصر از گاو غدود و کمی از بسیار و زره ای از خروار به یاد هموطنان آورده شد.

امروز در اثر زد و بند های پیدا و پنهان و هزار و یک داد و معامله پس پرده، همین محمود کرزی و یک مشت افراد فاسد و غاصب و بی وجدان و ناکارآمد دیگر، با بسیار اطمینان خاطر و با سهولت غیر قابل باور، از پارلمان رای اعتماد به دست آوردند و لب و دهان وکلای فروشی و معامله گر، خوب چرب شد و برای پنج سال دیگر، از داد و معامله های خود با وزرای متذکره، اطمینان حاصل کردند. از این پارلمان توقع دیگری هم نمی توان داشت.

" در کُل امروز ۲۴۴ عضو جرگه در روند رای دهی به نامزد وزراء شرکت کرده بودند و هر نامزد، باید برای موفقیت ۱۲۳ رای را باید به دست می آورد..."

در نتیجه رای گیری، احمد ضیاء سراج با به دست آوردن ۲۲۰ رای تایید به عنوان رییس عمومی امنیت ملی، انوارالحق احدی با کسب ۱۸۹ رای وزیر زراعت و مالداري و **محمود کرزی با به دست آوردن ۱۵۴ رای** به عنوان وزیر شهرسازی و اراضی تایید شدند...".

وکلای فروخته شده که به این وزرای معامله گر رای اعتماد فروختید، در داد و معامله های خود موفق بودید، بدا به حال این ملت دربند کشیده شده که این وزرا چگونه افغانستان را به مرز سقوط خواهند کشید و وای به روزی که محمود کرزی، بجای شهرسازی، شهرک سازی های شخصی و فامیلی خود را آغاز کند. برادران و دوستان و اقارب و رفقای گرمابه و گلستان شان، تا دنیا، دنیا است و تا فرزندان و نواسه ها و کواسه ها و کون کاسه های شان نفس می کشند، از خون این ملت بخت برگشته، تغذیه خواهند کرد و به ریش مردم مظلوم افغانستان و وکلای معامله گر آن خواهند خندید. وکلا فاسد، وزرا فاسد، والی ها فاسد، سفرا فاسد و...، در این مرز و بوم، آنکه فاسد نیست، در بین وکلا، یا داکتر رمضان بشر دوست است، یا بلقیس روشن، اما در میان وزرا شاید به مثل شود یک فرد صادق سراغ کرد. خشت اول این بنا را حامد کرزی کج گذاشته است.

از همین وکلا، همین وزرا، از همین چورلمان، همین تنبلان، همین آتش است و همین کاسه. توقع دیگری از اینها، به منزله صید بونده توسط زاغ است.

وکیل فروشی و وزیر خری دیگر در این مرز و بوم بی صاحب، یک اصل قبول شده و جاه افتاده است. همین بخر و بفروش است که مردم به پارلمان کشور، اسم بامسمای "چورلمان" داده اند.

همه جا دکان رنگ است، همه رنگ می فروشد
دل من به شیشه سوزد، همه سنگ می فروشد
به دکان بخت مردم کی نشسته است یا رب
گل خنده می ستاند، غم جنگ می فروشد؟
دل کس به کس نسوزد به محیط ما به حدی
که غزال، چوچه اش را به پلنگ می فروشد
مدتی است کس ندیده گُهری به قُلزُم ما
که صدف هر آنچه دارد، به نهنگ می فروشد
ز تنور طبع «فانی» تو مجو سرود آرام
مَطَلَب گل از دکانی که تفنگ می فروشد